

تبیین‌کننده‌های اجتماعی و فرهنگی ایده‌آل‌های ازدواج جوانان ۱۸-۳۰ ساله شهر شیراز

مهسا نوری کوچی*، علی‌یار احمدی**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۲)

چکیده

در بستر تغییرات ساختاری، نهادی و ارزشی سریع در دوران معاصر، نگرش‌ها و ایده‌آل‌های مرتبط با ازدواج و همسرگزینی، تغییر یافته است. هدف مقاله حاضر، بررسی ایده‌آل‌های ازدواج جوانان می باشد. روش پژوهش در این مطالعه پیمایشی است و داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه با حجم نمونه ۳۸۴ نفر از جوانان شهر شیراز گردآوری شد. ایده‌آل ازدواج در یک طیف سنتی تا مدرن سنجیده شده است. افرادی که در این طیف نمره بالاتری گرفته‌اند، از ایده‌آل‌های مدرن‌تری در ارتباط با ازدواج برخوردارند. یافته‌ها نشان می‌دهد نگرش مذهبی، قومیت و طبقه اجتماعی مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر ایده‌آل ازدواج هستند. به‌طورکلی، با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان اظهار کرد که میزان پایین نگرش مذهبی، قومیت فارس و تعلق به طبقه اجتماعی بالا متغیرهایی هستند که احتمال داشتن ایده‌آل مدرن نسبت به ازدواج را افزایش می‌دهند. تمایل جوانان به ازدواج در سنین بالاتر، انتخاب همسر بر اساس عشق و تصمیم شخصی، رابطه قبل از ازدواج و اهمیت پایین فرزندآوری، نشانگر رخداد شکاف ارزشی و اولویت ایده‌آل‌های مدرن در زندگی جوانان نسل‌های کنونی است.

کلید واژه‌ها: ایده‌آل ازدواج، ایده‌آل‌های مدرن، ایده‌آل‌های سنتی، ازدواج، جوانان، شیراز.

* کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشگاه شیراز

mahsa68noori@gmail.com

** دانشیار جمعیت‌شناسی، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

ahmadi.aliyar@gmail.com

مقدمه

ازدواج به عنوان مبنای شکل‌گیری نهاد خانواده، مناسک گذار افراد از جوانی به بزرگسالی و واقعه‌ای مهم در زندگی فردی، همواره در افکار عمومی جامعه و در تحقیقات علمی و دانشگاهی مورد توجه قرار گرفته است. ازدواج یک نهاد اجتماعی و حقوقی مهم است که از طریق فراهم کردن مجموعه خاصی از حقوق، امتیازات، تعهدات، مسئولیت‌ها و انتظارات نقشی جدید، از روابط زناشویی پایدار حمایت می‌کند و موجب بقاء و تداوم نهاد خانواده و ساختار اجتماعی می‌شود. ازدواج به همراه سازوکارهای تحقق آن و نظم و ترتیبات مربوطه، یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی و زیستی است که هم متأثر از تحولات جامعه بوده و هم بر آن تأثیرگذار می‌باشد (صادقی و همکاران، ۱۳۸۶). در این زمینه آلن ژیراد^۱ ضمن بیان این نکته که در میان تمامی آداب، مراسم و وقایع اساسی زندگی انسان، ازدواج از اهمیتی بسزایی برخوردار است، تأکید می‌کند که «هم از نظر فرد، هم از دیدگاه زیستی و هم از منظر اجتماعی هیچ نهادی نیست که همانند ازدواج جهانی و از نظر غایت ثابت و پایدار باشد. از این رو، هیچ نهادی نیز همانند آن تحت تأثیر دگرگونی‌های اجتماعی قرار نمی‌گیرد» (میشل^۲، ۱۳۵۴). ازدواج همواره متأثر از ساخت کلی جامعه بوده و متناسب با دگرگونی‌های اجتماعی، دچار تغییراتی گشته است (قلی‌زاده، ۱۳۷۶).

تحولات ناشی از صنعتی شدن، گسترش شهرنشینی، گسترش تحصیلات و تحولات جمعیتی، ساختار روابط خانوادگی را به میزان زیادی دگرگون ساخته است (تورنتون^۳ و فریک^۴، ۱۹۸۷). علاوه بر این، جوامع تحت تأثیر گسترش شهرنشینی و صنعتی شدن، ناچار به گسترش آموزش هستند. دسترسی به آموزش و افزایش سطح تحصیلات به شیوه‌های مختلفی بر زندگی افراد و خانواده‌هایشان تأثیر می‌گذارد (شولتز^۵، ۱۹۷۳؛ تورنتون، ۱۹۸۰). ایران نیز همچون سایر کشورهای جهان سوم در مرحله گذار از سنت به مدرنیته است و با تغییرات اجتماعی وسیع در همه زمینه‌ها از جمله ازدواج و همسرگزینی روبه‌روست. تغییراتی

1- Alain Girad

2- Michel

3- Thornton

4- Fricke

5- Schultz

که موجب شده تا مردان و زنان نگرش نوینی نسبت به پیوند زناشویی و ازدواج داشته باشند و آن را نه فقط به‌عنوان یک رابطه جنسی و راهی برای فرزندآوری، بلکه برای به وجود آوردن یک زندگی کمال‌گرا، توأم با عشق، همدلی و همدمی بدانند. دنیای جدید باعث بالا رفتن سطح آگاهی‌های اجتماعی، سواد عمومی و تحصیلات شده و به موازات آن سطح توقعات و انتظارات مردان و زنان به مراتب بیشتر از گذشته شده است. از طرف دیگر در عصر حاضر، تمایزات و تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی گروه‌های اجتماعی بیشتر و همانندی‌های گذشته کم‌رنگ‌تر شده است. علاوه بر این‌ها، بخشی از این تغییرات در کشور، به علت نقش‌های جدید زنان در جامعه و گرایش آن‌ها به کسب جایگاه‌هایی همانند مردان در برخی زمینه‌ها، مانند تحصیلات بالاتر و کار در خارج از خانه است (کاظمی‌پور، ۱۳۸۸). به هر حال، تأثیر تعاملی ساختار جمعیتی، متغیرهای اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی در الگوها و روندهای ازدواج غیر قابل انکار است (احمدی و قیصریان، ۱۳۹۳). فراوانی جمعیت دختران و پسران در معرض ازدواج که اغلب متولد دهه ۶۰ بوده و در حال حاضر بیش از یک سوم جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، به همراه تحولات رخ داده در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، نظیر افزایش میزان شهرنشینی، افزایش سطح تحصیلات به ویژه در میان زنان، و تمایل به کسب درآمد و شغل مناسب قبل از ازدواج همگی از مولفه‌های جامعه مدرن و امروزی است که بر الگوهای ازدواج و تشکیل خانواده نیز تأثیرگذار خواهد بود.

در گذشته ازدواج به‌شدت تحت تأثیر فشارهای اجتماعی قرار داشت. انتخاب همسر بیشتر به دلیل نوعی جبر اجتماعی، انجام می‌شد. در جامعه‌ای که فردیت مطرح نبود، علایق فرد نیز ارزشی نداشت (کلدی و غفوریان قالیباف، ۱۳۸۷). بزرگ‌ترین تحول ساختاری در خانواده ایرانی در چند دهه اخیر، تبدیل خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای شهرنشین بوده است. این تغییرات بنیادین تأثیرات خود را در همه زمینه‌های ممکن، نظیر انتخاب همسر بر جای گذارده است (رفاهی و همکاران، ۱۳۸۹). همین امر باعث شده به تدریج نقش خانواده ایرانی در انتخاب همسر برای فرزندان کم‌رنگ‌تر شود و جوانان ایرانی به‌مرور در جریان همسریابی فعال‌تر گردند (ساروخانی، ۱۳۸۶). از این‌رو، نهاد ازدواج تحت تأثیر تغییرات ساختاری^۱ و

فرهنگی^۱ و به‌طورکلی متأثر از جایگاه جوامع در گذار از نظم سنتی به نظم مدرن دچار تغییرات چشمگیری شده که با افزایش فردگرایی و آزادی فردی در انتخاب همسر همراه بوده است (صادقی و همکاران، ۱۳۸۶).

در جوامع امروزی تقریباً همه‌چیز در حال تحول است و به دلیل وابستگی‌های بخش‌های مختلف جامعه به یکدیگر، شروع تحول در یک بخش به‌سرعت بخش‌های دیگر را متأثر می‌سازد. در کشور ما نیز تحولات دهه‌های اخیر بخش‌هایی از جامعه را متحول کرده و این تحولات موجب تحول در نهاد خانواده و امر ازدواج نیز شده است. با ورود تجددگرایی و افزایش تمایزهای اجتماعی، همه‌ی افراد جامعه مانند گذشته دارای افکار، عقاید و الگوهای مشابه و یکسان نیستند، بلکه گروه‌ها و افراد از الگوهای رفتاری متفاوتی پیروی می‌کنند. این امر خود را در نوع همسرگزینی افراد به‌وضوح نشان می‌دهد.

با توجه به موارد ذکر شده به نظر می‌رسد که هنجارها و ایده‌آل‌های سنتی همراه با تغییرات به وجود آمده از قبیل تحول نقش‌های جنسیتی در ازدواج، تأخیر در سن ازدواج، افزایش پذیرش تجرد، ازدواج‌های بدون فرزند، افزایش رو به رشد استقلال و خودمختاری در همسرگزینی و کاهش نظارت والدین بر ازدواج، تغییر کرده باشند.

ضرورت این تحقیق برخاسته از این موضوع است که بخشی از تغییراتی که در جامعه رخ می‌دهد ناشی از تغییرات ایده‌آل‌های و نگرشی افراد جامعه است. شناسایی ایده‌آل‌های جوانان در ارتباط با تشکیل خانواده و فهم نگرش آنان کمک خواهد کرد تا بتوانیم پیش‌بینی بهتری از تغییرات پیش‌رو در جامعه داشته باشیم. در این راستا، مقاله حاضر تلاش دارد تا نگرش جوانان ۱۸-۳۰ ساله شهر شیراز را پیرامون ازدواج و تشکیل خانواده و عوامل مرتبط با آن را مورد بررسی قرار دهد.

چارچوب نظری

در این پژوهش متن اجتماعی کلان که بر شکل‌گیری و تغییر نگرش‌ها تاثیرگذار است از اهمیت زیادی برخوردار است، بنابراین بیش از آنکه نظریه‌های نگرشی تبیین‌کننده باشند، نظریه‌های کلانی که تبیین‌کننده ساختار اجتماعی هستند از اهمیت برخوردارند. پدیده ازدواج

و همسرگزینی به دلیل افزایش سطح تحصیلات، بهبود موقعیت زنان، گسترش فردمحوری و ... دچار تغییرات عمده‌ای گردیده است. یکی از مناسب‌ترین نظریه‌هایی که تغییر نگرش‌ها و ایده‌آل‌های افراد جامعه را به خوبی ترسیم می‌کند نظریه مدرنیزاسیون می‌باشد. نظریه نوسازی برآمده از دیدگاه دورکیم^۱ پیرامون تحول جامعه‌ی سنتی مبتنی بر همبستگی مکانیکی به جامعه امروزی مبتنی بر همبستگی ارگانیکی و تفکیک اجتماعی ناشی از آن است. اندیشه‌های وبر^۲ در مورد چگونگی پیدایش جامعه صنعتی، افسون‌زدایی و عقلانیت‌گرایی و همچنین نظریه مارکس^۳ پیرامون تطور و توسعه جوامع، از دیگر مبانی کلاسیک این مکتب هستند. این نظریه که از میراث فکری مهم دوره روشنگری است، معتقد به تک‌خطی بودن جامعه، انتقالی و مرحله‌ای بودن است. به‌طورکلی نوسازی عبارت است از «تغییر در آداب و رسوم و نظام اجتماعی سنتی به سمت آداب و رسوم و نظام اجتماعی - نهادی مدرن ولو اینکه این تغییر و ترقی به‌صورت ارادی و یا اجباری صورت گیرد» (محمدپور، ۱۳۸۶).

این نظریه با تأکید بر تغییرات ساختی (گذار از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی) تغییر الگوهای ازدواج را به تغییرات ساختاری در زندگی اجتماعی به جهت ظهور نیروهای جدید اجتماعی، یعنی سه جریان صنعتی شدن، شهرنشینی و آموزش همگانی، مرتبط می‌داند. بر این اساس تحولات ازدواج و خانواده را به‌عنوان سازگاری نظام‌مند با تغییر در شرایط نظام اجتماعی پیرامونی یا به عبارتی انطباق با شرایط اقتصادی اجتماعی تغییر یافته، در نظر می‌گیرد. در فرایند مدرنیزاسیون انشقاق، گسستگی و تضعیف در بین عوامل همبسته اجتماعی به وجود می‌آید و افراد به‌صورت اتم‌هایی مجزا به نظر می‌رسند که به دنبال حداکثر سود و منفعت فردی و شخصی خود هستند. یعنی دغدغه‌های شخصی بر مصالح جمعی و قومی اولویت می‌یابد و تغییر در ایده افراد به سمت سکولاریته، مادی‌گرایی، فردگرایی و انزواطلبی صورت می‌گیرد و خانواده محوری به فرد محوری تبدیل می‌شود. هم‌زمان با این تحولات، نوعی انطباق‌پذیری در الگوهای ازدواج و خانواده با شرایط جدید صورت می‌گیرد (عباسی شوازی و صادقی ۱۳۸۴). در همین راستا وستوف^۴ (۱۹۷۸) می‌گوید: «تحولات نهادهای ازدواج و خانواده، نشانه‌ها و نمادهایی از تغییرات اجتماعی محسوب می‌شوند. زیرا تحولات اقتصادی و اجتماعی جامعه مرتبط با کاهش اقتدار سنتی و مذهبی، اشاعه و گسترش اخلاق عقلانیت و فردگرایی،

1- Durkheim

2- Weber

3- Marx

4- Westoff

آموزش همگانی برای هر دو جنس، افزایش برابری جنسیتی^۱، افزایش احتمال بقای فرزندان و ترویج و گسترش فرهنگ مصرف می‌باشد» (ویکس، ۲۰۰۲ به نقل از صادقی و همکاران ۱۳۸۶). ویلیام گود^۲ (۱۹۶۳) نیز با مطرح کردن ایده «انقلاب جهانی در الگوهای خانواده» به گستره تأثیرات مدرنیزاسیون بر خانواده و الگوهای ازدواج اشاره می‌کند و معتقد است که «فرآیند مدرنیزاسیون در سطوح مختلف فردی و اجتماعی، زمان ازدواج را تحت تأثیر قرار می‌دهد». بر اساس نظریه ویلیام گود^۳، دگرگونی‌های بوجود آمده در خانواده نتیجه اجتناب ناپذیر دگرگونی‌های ساختاری جامعه و دگرگونی‌های ایدئولوژیکی است (اعزازی، ۱۳۸۸).

بر طبق این نظریه، فرآیند مدرنیزاسیون، موجب تجدید ساختار جوامع از طریق صنعتی شدن، شهرنشینی، افزایش آموزش، گسترش رسانه‌های گروهی، توسعه حمل و نقل و ارتباطات و... می‌گردد. تحت تأثیر این تحولات ساختاری، الگوها و عناصر سنتی ازدواج و خانواده در جوامع کمتر توسعه یافته، سرانجام به سمت مدل جهان‌شمول خانواده مدرن غربی با ویژگی‌های نظیر هسته‌ای بودن، فردمحوری، آزادی در انتخاب همسر، ازدواج در سنین بالا، باروری پایین و برابری جنسیتی پیش خواهد رفت. البته، در کنار فرآیند نوسازی و متغیرهای آن که بخشی از الگوهای ازدواج را تبیین می‌کنند، به نقش عوامل فرهنگی-هنجاری و ارزشی نیز در این زمینه تأکید شده است. بر این مبنای ویژگی‌های فرهنگی نیز تبیین کننده‌ی بخشی از تغییرات الگوهای ازدواج به شمار می‌روند. بطوری که نقش زمینه‌های فرهنگی متفاوت مانند قومیت و مذهب در مورد الگوهای ازدواج تا اندازه‌ی زیادی در جوامع مختلف مورد تأیید قرار گرفته و بر تفاوت این الگوها صحنه گذاشته شده است. (؛ پالمور^۴، ۱۹۸۳؛ تیولادهار^۵، ۱۹۸۵؛ لستهاق و النس^۶، ۱۹۸۹؛ تاپا^۷، ۱۹۸۹؛ اکستوس و گالیتانو^۸، ۱۹۹۲؛ مالهورا^۹، ۱۹۹۷). نتیجه این امر تغییر در نگرش‌ها و ایده‌های افراد جامعه است. افراد در جوامع مختلف با توجه به تغییرات حاصله دست به همسرگزینی می‌زنند.

-
- 1- Gender equity
 - 2- William Goode
 - 3- William Goode
 - 4- Tuladhar
 - 5- Tuladhar
 - 6- Lesthaeghe, R. & F. Eelens
 - 7- Thapa
 - 8- Xenos & S.A. Gultiano
 - 9- Malhotra

پیشینه تحقیق

از آنجاکه در حال گذار بودن و تغییر الگوها در کشورهای در حال توسعه دغدغه‌ای جدی است، بخش عمده‌ای از ادبیات موجود در این زمینه حاصل مطالعاتی است که در این کشورها به ویژه ایران انجام گرفته است. مطالعه‌ی عظیمی و همکاران (۱۳۹۴) مؤید تفاوت‌های بین نسلی و درون نسلی در مورد ارزش‌های همسرگزینی و رابطه با جنس مخالف است. شرکت کنندگان در این مطالعه به طور مشهودی تمایل داشتند که همسرشان را خودشان انتخاب کنند و تنها نزدیک به یک‌سوم نسل جوان، دوستی با جنس مخالف را نمی‌پذیرفتند که این نسبت برای نسل قبل حدوداً دو برابر (۵۷/۳) بوده است. جنادله و رهنما (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای در خصوص تغییر نگرش‌های مرتبط با خانواده سنتی از قبیل الگوی همسرگزینی مبتنی بر محوریت و موافقت والدین، عمومیت ازدواج، ممنوعیت روابط جنسی خارج از ازدواج، اهمیت فرزندآوری و نگرش‌های جنسیتی سنتی به این نتیجه رسیدند که امروزه به دلیل تغییرات ساختاری ناشی از نوسازی شاهد دگرگونی‌های احتمالی از قبیل تغییر الگوی همسرگزینی و روابط بین دو جنس، تأخیر در ازدواج یا مجرد قطعی، شکل‌گیری الگوهای جدید خانواده و تضادهای جنسیتی می‌باشیم.

نعیمی (۱۳۹۰) در مطالعه‌ی خود به منظور شناخت چگونگی تأثیر جامعه‌پذیری بر طلاق به تأثیر دو عامل موثر بر جامعه‌پذیری یعنی خانواده و رسانه می‌پردازد. نتایج به دست آمده نشان دهنده تأثیر ماهواره در ایجاد ارزش‌های مدرن در زوجین و تأثیر خانواده در پیدایی ارزش‌های سنتی در بین زوجین بوده است. احمدی و حامد (۱۳۹۰) در مطالعه‌ی خود در پی واکاوی تفاوت‌های نگرشی نسل‌ها در شهر کرمانشاه نشان دادند که تفاوت دو نسل در مقوله‌های نوگرایی، مادی‌گرایی فرامادی‌گرایی، نگرش به زنان و خانواده معنی‌دار بوده و این نسل جوان است که در هر چهار مقوله رتبه بالاتری کسب کرده است. در رابطه با پیوستار نسلی در زمینه دینداری می‌توان تفاوت‌های مکشوف میان نسل‌ها را با عبارت «فاصله نسلی» بیان داشت. اگرچه در پاره‌ای از ابعاد مانند بعد مناسکی می‌توان تا حدودی قائل به «شکاف نسلی» بود. در باب تفاوت در نوگرایی، مادی‌گرایی/فرامادی‌گرایی، نگرش به زنان و خانواده نیز بهترین مفهومی که توان تبیین وضعیت را دارد همان مفهوم «فاصله نسلی» است. مقدس و نوروزی (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای تحت عنوان «مقایسه ارزش‌های مذهبی بین دو نسل دختران و مادران شهرهای لار و

جهرم»، معتقدند که با دگرگونی‌های فرایند جهانی‌شدن، نسل‌های مختلف (والدین و فرزندان) دچار تنش و چالش‌های مختلف شده‌اند. نتایج این مطالعه نشان داد که ارزش‌های مذهبی مادران نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین ارزش‌های مذهبی دختران آن‌ها ایفا می‌کند.

مطالعه آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۹۰) نیز به این نکته اشاره می‌کند که تحولات اجتماعی سال‌های اخیر ایران به تدریج ابعاد متفاوتی به خود گرفته است و نه تنها ارزش‌ها که رفتارهای افراد را نیز تغییر داده است. این مطالعه نشان‌دهنده‌ی افزایش روابط جنسی پیش از ازدواج می‌باشد. در کنار این افزایش و پیچیده‌تر شدن آن‌ها نویسندگان معتقدند که امروزه با «گونه‌های متفاوتی» از روابط جنسی پیش از ازدواج که خاستگاه‌های متفاوتی دارند، مواجهیم. طالبان و همکاران (۱۳۸۹) بر اساس تحلیل ثانوی نتایج پیمایش‌های ملی سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۸۸، به بررسی روند تغییرات ارزش‌های اجتماعی جامعه ایران در این بازه زمانی پرداخته و مهم‌ترین نتایج آن به این شرح است: ۱. اهمیت ارزش‌های مادی برای جامعه ایران از دهه پنجاه تا دهه سوم انقلاب افزایش داشته است؛ ۲. اهمیت شاخص‌های ارزش‌های معنوی از دهه پنجاه تا دهه سوم انقلاب کاهش یافته است؛ ۳. میزان اهمیت ارزش‌های مادی و معنوی برای گروه سنی پنجاه به بالا (جوانان قبل از انقلاب) بیشتر از گروه سنی جوانان امروزی است. کاظمی و نیازی (۱۳۸۹) نیز نشان داده‌اند که با افزایش آرمان‌گرایی توسعه‌ای افراد، الگوی ازدواج آنها مدرن‌تر می‌شود. زارع و اصل‌روستا (۱۳۸۹) نیز در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی ارزش‌های اجتماعی دو نسل والدین و فرزندان درباره معیارهای انتخاب همسر» نشان دادند که تفاوت معناداری بین ارزش‌های اجتماعی دو نسل در زمینه انتخاب همسر از قبیل سن مناسب برای ازدواج پسر و دختر، ارجحیت زیبایی یا نجابت همسر، ارجحیت تحصیلات بالا یا اصالت خانوادگی همسر، معاشرت قبل از ازدواج دختر و پسر و ازدواج فامیلی وجود دارد. کاظمی (۱۳۸۹) نیز در بررسی تاثیر آرمان‌گرایی توسعه‌ای بر شکاف بین نگرش‌های دختران و مادران آنها نسبت به ازدواج و خانواده، نشان می‌دهد که نگرش مادران نسبت به سن مطلوب ازدواج، نحوه انتخاب همسر، جدایی و طلاق، مطلوبیت ازدواج، قدرت تصمیم‌گیری در خانواده، ارتباطات خانوادگی و مطلوبیت فرزندآوری، سنتی است و دختران نسبت به این شاخص‌ها نگرش مدرن‌تری دارند. عسکری‌ندوشن و همکاران (۱۳۸۸) نیز در مطالعه‌ی خود تحت عنوان «مادران، دختران و ازدواج»، نشان می‌دهند که هر دو نسل در مورد سن مناسب

ازدواج و همچنین مخالفت با چندهمسری مردان توافقی ندارند اما تفاوت‌های بین نسلی معناداری در ایده‌ها و نگرش‌های دختران و مادران در ابعادی نظیر زمان‌بندی فرزند اول، ازدواج خویشاوندی، نحوه انتخاب همسر و مجرد ماندن وجود دارد و دختران از ایده‌ها و نگرش‌های مدرن‌تری در این ابعاد برخوردارند.

صادقی و همکاران (۱۳۸۶) نیز با واکاوی مسئله ازدواج به این نتیجه رسیدند مدرنیزاسیون و ابعاد آن همراه با اعتقادات و ارزش‌های قومی - فرهنگی از عوامل تعیین‌کننده نگرش‌ها و ایده‌آل‌های ازدواج می‌باشند. آزادارمکی و ملکی (۱۳۸۶) در مطالعه‌ای با عنوان «تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان» به این نتیجه رسیدند که سالمندان، کم‌سوادان و فقیران بیشتر از جوانان، دانشگاهیان و ثروتمندان به آموزه‌های سنتی خانواده پایبندند و تجانس بیشتری در این خصوص دارند. به طور کلی ایران نسبت به تمام کشورهای اسلامی ارزش‌های خانوادگی نوگراتری داشته است، هرچند فاصله فرهنگی زیادی با کشورهای توسعه یافته داراست. موحد و عباسی شوازی (۱۳۸۵) نیز نشان دادند که همبستگی نگرش دختران به روابط پیش از ازدواج، با متغیرهای اولویت‌های ارزشی، باورهای دینی، پایبندی به ارزش‌های دینی معنادار است. به طور کلی، آنها نتیجه گرفته‌اند دختران، همانند گذشته، میان ارزش‌های سنتی و مدرن سرگردان‌اند. جبریلی^۱ و همکاران (۲۰۱۳) اظهار داشتند که در بحث همسرگزینی تغییرات فرهنگی در کشور ایران از ارزش‌های سنتی و مذهبی به سمت ارزش‌های غیر سنتی و مدرن پیش می‌رود.

مطالعه اونو^۲ و آرمستراگ^۳ (۲۰۱۳) نشان داد که در بین دانشجویان نیجریه‌ای به‌رغم جهانی‌شدن و رشد فزاینده مدرنیته انتخاب شریک زندگی بر اساس مذهب، موقعیت اجتماعی، امنیت و عشق هدایت می‌شود. شوامک^۴ (۲۰۰۷) نشان می‌دهد که فرآیندهای همسرگزینی بر اساس دو رویکرد نظری عمده گسترش یافته است: ساختارگرایی تکاملی و اجتماعی. درحالی‌که رویکرد تکاملی به میانجی‌گری رفتار در شرایط متغیر تمایل نشان می‌دهد، رویکرد ساختارگرایی اجتماعی توسط تغییر فرهنگی و انتظارات نقش جنسیتی رهنمون می‌شود.

1- Jebraili

2- Onu

3- Armstrong

4- Shoemake

با این حال یک رویکرد ترکیبی نظری به یافته‌های جامع و کامل تری در این موضوع منجر می‌شود. گومز^۱ (۲۰۰۶) در کتاب خود با عنوان «توسعه اجتماعی و تغییرات خانواده» به نتایج بررسی تغییرات الگوی همسرگزینی در تایوان می‌پردازد. تایوان به‌عنوان جامعه‌ای تحت تأثیر فرآیند توسعه و نوسازی نشان می‌دهد که فرآیند نوسازی بر انتخاب افراد تأثیر گذاشته و نسل‌های جدید با افزایش آزادی در انتخاب، عشق و علاقه را به‌عنوان معیار انتخاب همسر جایگزین ازدواج‌های سنتی مبتنی بر خانواده، قومیت و سنت‌های محلی می‌کند. مالاهورتا^۲ و همکاران (۱۹۹۲) در سریلانکا در تحقیقی با عنوان «نگرش‌های دختران و مادران‌شان درباره ازدواج» دریافته‌اند که مادران و دختران به‌صورت جدا از هم دارای دیدگاهی نسبتاً مدرن هستند. در تبیین این وضعیت، گسترش تحصیلات و استفاده از رسانه‌ها بسیار مهم بوده است؛ به‌گونه‌ای که در بستر جامعه‌ای که فرصت‌های تحصیلی و رفاه اجتماعی برای زنان در دسترس باشد، مادران و دختران بر ابعاد فردی ازدواج تأکید دارند تا ابعاد خانوادگی. ویت^۳ و همکاران (۲۰۰۸) در تحقیقی با عنوان «تأثیر والدین در همسرگزینی و ایده آل‌های عاشقانه» در کره و ایالات متحده آمریکا به این نتیجه رسیدند که بزرگسالان کره‌ای در هر مورد از متغیر وابسته محافظه‌کارترند. فرهنگ و نفوذ پدر و مادر بهترین پیش‌بینی‌کننده نگرش‌ها در مورد عشق و تمایلات جنسی باقی می‌ماند.

روش تحقیق

رویکرد انجام این مطالعه کمی و روش کار پیمایش است. در این تحقیق از پرسشنامه به‌عنوان ابزار جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. روند نهایی شدن پرسشنامه بدین صورت انجام گرفت که ابتدا در یک مطالعه مقدماتی ۳۰ نفر از اعضای جامعه آماری، پیش‌آزمون شدند و مسائل تحقیق به‌ویژه در ارتباط با محتوای پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس نتایج حاصل از پیش‌آزمون، پرسشنامه مورد بازبینی و در نهایت پرسشنامه محقق ساخته نهایی شد.

جامعه آماری این تحقیق، جوانان ۱۸-۳۰ ساله شهر شیراز است. حجم نمونه تحقیق بر

1- Gomes
2- Malhorta
3- Witt

اساس فرمول کوکران با دقت ۹۵ درصد و احتمال خطای نمونه‌گیری ۵ درصد، ۳۸۴ نفر برآورد شد که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای نمونه‌ها انتخاب شدند. پایایی ابزار اندازه‌گیری در ارتباط با متغیرهای سازه، از طریق آزمون آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت که از همبستگی درونی قابل قبولی برخوردار بودند. در جدول ۱ ضریب آلفای کرونباخ محاسبه‌شده برای هر مقیاس آورده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود هرکدام از مقیاس‌ها و شاخص‌ها از همبستگی درونی قابل قبولی برخوردارند.

جدول ۱. نتایج آزمون آلفای کرونباخ برای روایی مقیاس‌ها

مقیاس	ضریب آلفای کرونباخ
نگرش نسبت به نقش‌های جنسیتی	۰/۷۷
میزان گرایش مذهبی	۰/۸۴
نگرش نسبت به ازدواج	۰/۷۰
ایده‌آل ازدواج	۰/۶۰

متغیر وابسته این تحقیق ایده‌آل ازدواج می‌باشد که طیفی از ایده‌آل‌های سنتی ازدواج تا ایده‌آل‌های مدرن را می‌سنجد، از این‌رو، افرادی که در این طیف نمره بالاتری کسب کنند از ایده‌آل‌های مدرن‌تری در ارتباط با ازدواج برخوردارند. ازدواج در سنین بالاتر، تشکیل خانواده هسته‌ای، برابری زن و مرد، داشتن رابطه قبل از ازدواج، ازدواج رمانتیک به جای ازدواج ترتیب داده شده، و خروج از زندگی بدون عشق و تفاهم به عنوان شاخص‌های نگرش مدرن به ازدواج مشخص شده‌اند.

یافته‌ها

بررسی ویژگی‌های جمعیتی نمونه نشان داد که ۴۳/۴ درصد از پاسخگویان در گروه سنی ۲۱-۲۵ سال قرار دارند. همچنین میانگین سنی پاسخگویان، ۲۴ سال است. بر اساس جنس ۶۶/۹ درصد پاسخگویان را زنان و ۳۳/۱ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. از بین قومیت‌ها نیز بیشترین درصد پاسخگویان (۸۵/۹ درصد) فارس بوده‌اند. همچنین از لحاظ بُعد خانوار ۸۰

درصد از پاسخگویان در خانوارهای ۴ نفره و کمتر زندگی می‌کنند. در ارتباط با ویژگی‌های اقتصادی نمونه مورد بررسی می‌توان گفت در مجموع ۵۲ درصد از خانواده‌های جوانان، درآمدی بین ۶۰۰ هزار تا دو و نیم میلیون تومان در ماه داشته‌اند. که البته بیشترین گروه با ۲۱/۱ درصد دارای درآمدی ما بین یک میلیون تا یک و نیم میلیون تومان بوده است. بررسی وضعیت اشتغال پاسخگویان نشان می‌دهد که ۳۷/۸ درصد از جوانان، دانشجو، ۱۵/۱ درصد بیکار، ۸/۶ درصد خانه‌دار، ۱۳/۳ درصد دارای شغل خصوصی و در مجموع ۱۷ درصد دارای شغل دولتی و آزاد هستند. بنابراین تنها ۳۰/۳ درصد از پاسخگویان شاغل و ۶۹/۷ درصد غیر شاغل بوده‌اند.

جدول ۲. توزیع فراوانی و درصد متغیرهای مستقل مورد بررسی

متغیر	فراوانی	درصد	متغیر	فراوانی	درصد
سن پاسخگو	۲۰-۱۸	۹۵	جنس		
	۲۵-۲۱	۱۶۶	زن	۲۵۷	۶۶/۹
	۳۰-۲۶	۱۲۳	مرد	۱۲۷	۳۳/۱
تحصیلات پاسخگو	پایین تر از کارشناسی	۱۵۲	میزان مطالعه		
	کارشناسی و بالاتر	۲۳۲	۲ ساعت و کمتر	۲۲۹	۵۹/۶
وضعیت تاهل	مجرد متاهل	۳۰۶ ۷۸	عضویت در شبکه‌های		
			اجتماعی	۳۱۰	۸۰/۷
			بله خیر	۷۴	۱۹/۳
نگرش نسبت به نقش‌های جنسیتی	۲۴ ۱۴۶ ۲۰۵ مدرن	۶/۴ ۳۸/۹ ۵۴/۷	نگرش نسبت به ازدواج	۷۰	۱۸/۸
			نگرش مثبت	۲۵۰	۶۶/۸
			نگرش بینابین	۵۴	۱۴/۴
			نگرش منفی		

متغیر	فراوانی	درصد	متغیر	فراوانی	درصد
طبقه اجتماعی خود گزارش شده بالا متوسط رو به بالا متوسط رو به پایین پایین			درآمد		
		۲۲	کمتر از ۴۰۰ هزار تومان	۵/۷	۷۶/۸
		۲۹۵	بالاتر ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان	۱۶/۱	۶۲
		۵	۶۰۰ تا ۱ میلیون تومان	۱/۳	
			۱ تا ۱/۵ میلیون تومان		
قومیت فارس لر ترک عرب سایر					
		۳۳۰	۱/۵ تا ۲/۵ میلیون تومان	۸۵/۹	۶۰
		۲۳	تومان	۴/۷	۱۸
		۶	بیش از ۲/۵ میلیون تومان	۱/۶	۶
		۷	تومان	۱/۸	۷

بررسی ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی نمونه نشان داد که ۶۰/۴ درصد پاسخگویان تحصیلات کارشناسی و بالاتر داشته‌اند که در این میان ۱۸/۸ درصد آنان دارای مدرک کارشناسی ارشد و دکتری بوده‌اند، ۳۹/۶ درصد نیز تحصیلات خود را پایین‌تر از کارشناسی اظهار کرده‌اند. ۸۵ درصد از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که در طول هفته به مطالعه کتاب، مجله و روزنامه می‌پردازند، ۱۵ درصد نیز گفته‌اند که هیچ مطالعه‌ای ندارند. بین جوانانی که مطالعه داشتند، میزان مطالعه ۵۹/۶ درصد در طول هفته، ۲ ساعت و کمتر است. نزدیک به ۷۷ درصد از پاسخگویان طبقه اجتماعی خود را متوسط رو به بالا گزارش کرده‌اند. ۹۶ درصد پاسخگویان از اینترنت استفاده می‌کردند که میزان استفاده ۶۳ درصد از آن‌ها از اینترنت در طول شبانه‌روز ۴ ساعت و کمتر بوده است. از طرفی حدود ۸۱ درصد در شبکه‌های اجتماعی نیز عضویت داشتند. حدود ۸۴ درصد از این جوانان از برنامه‌های جدید تلفن همراه از قبیل وایبر و واتس‌آپ استفاده می‌کردند. میزان دینداری، بیانگر درجه‌ی اعتقادات فرد به باورهای مذهبی می‌باشد، اکثریت پاسخگویان (۵۷/۴ درصد) گرایش مذهبی متوسطی داشتند؛ ۲۶/۵ درصد گرایش مذهبی ضعیف و ۱۶/۱ درصد از گرایش مذهبی قوی‌ای برخوردار بوده‌اند.

در ارتباط با متغیر نگرش نسبت به نقش‌های جنسیتی اکثریت پاسخگویان (۵۴/۷ درصد) نگرش مدرنی به نقش‌های جنسیتی دارند؛ ۳۸/۹ درصد نگرش متعادل دارند و فقط ۶/۴ درصد از پاسخگویان نگرش سنتی به نقش‌های جنسیتی را قبول دارند. به بیان دیگر این نتایج گویای اعتقاد به برابری جنسیتی در بین جوانان مورد مطالعه می‌باشد، چراکه آن‌ها دیگر خانه‌داری را تنها وظیفه زن و همچنین ایفای نقش‌های متفاوت در اجتماع را تنها مخصوص مرد نمی‌دانند؛ بلکه بر این باور هستند که هر کدام از این نقش‌ها می‌تواند از سوی هر دو جنس ایفا شود. نگرش به ازدواج حاکی از میزان اهمیت این مسئله نزد افراد و میزان تمایلی است که نسبت به آن دارند. اکثریت پاسخگویان (۶۶/۸ درصد) نگرش بینابین نسبت به ازدواج داشته‌اند، ۱۸/۸ درصد نگرش مثبتی به ازدواج و متأهل شدن داشته و تنها ۱۴/۴ درصد از اعضای نمونه نگرش منفی به امر ازدواج دارند.

جدول ۳. توزیع متغیر وابسته در پیوستار سنتی و مدرن

درصد	فراوانی	ایده آل ازدواج
۲۳/۵	۹۱	نگرش سنتی
۴۳/۳	۱۶۶	نگرش بینابین
۳۳/۲	۱۲۷	نگرش مدرن
۱۰۰	۳۸۴	تعداد کل

ایده آل ازدواج به عنوان متغیر وابسته پژوهش شاخصی است که در یک طیف ایده آل سنتی تا مدرن سنجیده شده است. بر اساس نتایج جدول ۳، ۲۳/۵ درصد از پاسخگویان نگرش مدرنی نسبت به ازدواج داشته‌اند، اکثریت جوانان (۴۳/۳ درصد) نگرش بینابین و ۳۳/۲ درصد نیز نگرش سنتی داشته‌اند. میانگین نمره ایده آل‌های افراد در یک مقیاس ۰ تا ۲۰ برابر با ۱۰/۷ بوده است که نشان از نگرش نسبتاً مدرن به ازدواج دارد.

همان‌طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، با توجه به آزمون‌های مقایسه‌ی میانگین رابطه‌ی بین دو متغیر وضعیت تأهل و ایده آل ازدواج با دارا بودن t برابر با $-۲/۱۴۵$ و سطح معناداری برابر با $۰/۰۳$ معنادار می‌باشد. یعنی افراد مجرد نسبت به افراد متأهل ایده آل مدرن‌تری در ارتباط با ازدواج دارند، همچنین بر اساس تفاوت میانگین استفاده یا عدم استفاده از اینترنت، نتایج حاکی از آن بود که کسانی که از اینترنت استفاده می‌کنند به لحاظ ایده آل‌های ازدواج نسبت به کسانی که از اینترنت استفاده نمی‌کنند دارای ایده آل‌های مدرن‌تری می‌باشند و

۵۱ تبیین‌کننده‌های اجتماعی و فرهنگی ایده‌آل‌های ازدواج جوانان ...

این اختلاف میانگین با مقدار مقدار t (۲/۰۵) و سطح معناداری ۰/۰۴ معنادار بوده است.

جدول ۴. مقایسه میانگین متغیر وابسته بر حسب متغیر وابسته با استفاده از آزمون t و F

متغیرهای مستقل	گزینه	میانگین ^۱	t	Sig
وضعیت تأهل	مجرد	۱۱/۰۰	۲/۱۴۵	۰/۰۳
	متاهل	۹/۴۷		
جنس	مرد	۱۰/۱۹	-۱/۲۷	۰/۲۰۴
	زن	۱۱/۰۱		
استفاده از اینترنت	بلی	۱۰/۸	۲/۰۵	۰/۰۴
	خیر	۸/۶		
عضویت در شبکه‌های اجتماعی	بلی	۱۱/۲۸	۳/۷۷۳	۰/۰۰۱
	خیر	۸/۳۶		
استفاده از نرم‌افزارهای جدید تلفن همراه	بلی	۱۰/۸	۱/۴۶۸	۰/۱۴۷
	خیر	۹/۶		
متغیرهای مستقل	گویه	میانگین	F	Sig
قومیت	فارس	۱۱/۴	۲/۳۷۳	۰/۰۵
	ترک	۱۰/۹		
	لر	۱۱/۱		
	عرب	۷/۵		
تحصیلات	دبیرستان	۸	۲/۶۶	۰/۰۰۳
	دیپلم	۹/۷		
	کاردانی	۱۰/۷		
	کارشناسی	۱۱		
	ارشد و بالاتر	۱۲/۳		
طبقه اجتماعی	بالا	۱۰/۵۲	۳/۳۷	۰/۰۱
	متوسط رو به بالا	۱۱/۰۰		
	متوسط رو به	۹/۵۲		

۱- این میانگین مربوط به ایده‌آل ازدواج می‌باشد و حداکثر نمره ۲۰ و حداقل صفر می‌باشد.

		پایین	
		۹/۲	پایین
وضعیت اشتغال	شاغل دولتی	۹/۴۸	۲/۶۷
	شاغل آزاد	۱۲/۳۶	۰/۰۱
	دانشجو	۱۲/۱۶	
	خانه دار	۱۰/۹۲	
	بیکار	۸/۴۸	
درآمد	کمتر از ۴۰۰ هزار تومان	۱۰/۷۵	۰/۸۲
	۶۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان	۱۱/۱۸	۰/۴۲
	۶۰۰ تا ۱ میلیون تومان	۱۰/۷	
	۱ تا ۱/۵ میلیون تومان	۱۰/۴۹	
	۱/۵ تا ۲ میلیون تومان	۱۱/۲۳	
	بیش از ۲ میلیون تومان	۱۰/۱۶	

همچنین بین پاسخگویانی که در شبکه‌های اجتماعی عضویت داشته‌اند و بین افرادی که عضویت نداشته‌اند، به لحاظ ایده‌آل‌های ازدواج تفاوت وجود داشته‌است که افراد استفاده‌کننده به نسبت دارای ایده‌آل‌های مدرن‌تری بوده‌اند و این اختلاف با مقدار t برابر با $۳/۷۷$ و سطح معناداری ($۰/۰۰۱$) معنادار می‌باشد، در واقع این نتیجه بیانگر این است که فضای مجازی یکی از عوامل مهم در مدرن‌تر شدن نگرش جوانان در امر ازدواج است.

در بخش دوم جدول شماره ۴، نتایج حاصل از تحلیل واریانس نیز تنها رابطه‌ی بین درآمد ماهیانه‌ی خانواده پاسخگو و ایده‌آل ازدواج با توجه به مقدار سطح معناداری ($۰/۸۲$) معنادار نمی‌باشد. رابطه‌ی میان متغیر وابسته با متغیرهای مستقل قومیت، تحصیلات، طبقه اجتماعی و وضعیت اشتغال معنادار بوده و میانگین هر یک در جدول آمده است. همانطور که مشاهده می‌شود تفاوت ایده‌آل‌های ازدواج در طبقات مربوط به قومیت، تحصیلات، طبقه اجتماعی و

وضعیت اشتغال معنادار است. در ارتباط با متغیر درآمد تفاوت معناداری بین طبقات درآمدی مختلف از نظر ایده‌آلهای ازدواج وجود ندارد.

در جدول شماره (۵) به بررسی همبستگی متغیرهای مستقل و ایده‌آل ازدواج در بین پاسخگویان پرداخته‌ایم که نتایج حاکی از آن است که متغیرهای بعد خانوار و نگرش مذهبی دارای رابطه معکوس و معنادار با ایده‌آل ازدواج می‌باشند. در واقع هر چقدر میزان پایبندی افراد به مذهب بیشتر و بعد خانواده آنها بیشتر بوده، نگرش آنها نسبت به ایده‌آلهای ازدواج سنتی‌تر بوده است، اما متغیرهای میزان ساعات مطالعه، نگرش نسبت به ازدواج و نگرش نسبت به نقش‌های جنسیتی رابطه مثبت و معنادار با نگرش نسبت به ایده‌آلهای ازدواج داشته‌اند، در واقع با افزایش هر یک از این متغیرها دیدگاه افراد نسبت به ایده‌آلهای ازدواج نیز مدرن‌تر شده است.

جدول ۵. رابطه بین متغیرهای مستقل و نگرش نسبت به ایده‌آلهای ازدواج

Sig	ضریب همبستگی پیرسون	متغیرهای مستقل
۰/۵۴	۰/۰۳۳	سن
۰/۰۳۲	-۰/۱۱۶	بعد خانوار
۰/۰۰۴	۰/۱۵۶	میزان ساعات مطالعه
۰/۰۰۰	-۰/۴۵۵	میزان دینداری
۰/۰۰۰	۰/۲۲۳	نگرش نسبت به نقش‌های جنسیتی
۰/۰۰۰	۰/۲۴۲	نگرش نسبت به ازدواج

در جدول شماره ۶ تأثیر هم‌زمان متغیرهای مستقل بر ایده‌آل ازدواج نشان داده شده است. متغیرهای مستقل مورد استفاده در این بخش به دو دسته‌ی کلی تقسیم شده‌اند. دسته اول متغیرهای جمعیتی و اقتصادی که شامل متغیرهای سن، جنس، بعد خانوار، وضعیت تأهل، درآمد، قومیت و وضعیت اشتغال، و دسته دوم متغیرهای اجتماعی و فرهنگی که متغیرهای تحصیلات، طبقه اجتماعی، میزان استفاده از اینترنت، عضویت در شبکه‌های اجتماعی، استفاده از نرم‌افزارهای تلفن همراه، میزان مطالعه، پایبندی مذهبی، نگرش نسبت به نقش‌های جنسیتی و نگرش به ازدواج را در بر می‌گیرد. تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (ایده‌آل ازدواج)

در ۳ مرحله سنجیده شده است.

جدول ۶ نتایج مدل تحلیل رگرسیون چندگانه در برآورد ایده آل ازدواج

مدل ۳		مدل ۲		مدل ۱		متغیر مستقل
Sig	Beta	Sig	Beta	Sig	Beta	
۰/۸۹۸	-۰/۰۳۲			۰/۶۵۲	۰/۰۲۷	سن
۰/۸۷۱	۰/۰۰۶			۰/۳۶۸	-۰/۰۴۹	جنس (مرد بودن)
۰/۹۸۵	-۰/۰۸۴			۰/۰۱۱	-۰/۱۴۳	بعد خانوار
۰/۹۷۵	-۰/۰۱۹			۰/۱۴۴	-۰/۰۸۸	وضعیت تأهل (مجرد بودن)
۰/۹۹۸	-۰/۰۷۵			۰/۶۷۵	۰/۴۲۰	درآمد
۰/۹۸۷	۰/۰۰۷			۰/۷۲۹	۰/۳۴۷	قومیت (فارس بودن)
						وضعیت اشتغال (بیکار و خانه دار)
۰/۹۴۰	-۰/۰۳۰			۰/۹۶۵	۰/۰۰۳	شاغل (دولتی)
۰/۹۵۵	۰/۰۵۴			۰/۰۰۴	۰/۱۸۸	شاغل (غیر دولتی)
۰/۹۹۵	۰/۰۰۹			۰/۰۳۹	۰/۱۴۸	دانشجو
						تحصیلات (کارشناسی ارشد)
۰/۰۱۷	-۰/۱۱۷	۰/۱۹۷	-۰/۰۹۴			دیپلم و پایین تر
۰/۷۴۱	-۰/۰۰۶	۰/۶۴۴	۰/۰۳۶			کارشناسی
						طبقه اجتماعی (طبقه بالا)
۰/۳۸۹	-۰/۰۰۶	۰/۰۲۳	۰/۱۲۱			متوسط رو به بالا
۰/۰۰۱	-۰/۱۲۹	۰/۲۱۹	۰/۰۹۸			متوسط رو به پایین
۰/۹۸۳	-۰/۰۴۳	۰/۵۱۸	-۰/۰۵۰			پایین
۰/۹۸۴	۰/۰۷۶	۰/۰۷۷	-۰/۰۸۷			استفاده از اینترنت
۰/۹۲۳	-۰/۰۸۰	۰/۲۲۲	۰/۰۶۴			عضویت در شبکه‌های اجتماعی
۰/۹۹۳	-۰/۰۶۳	۰/۶۱۷	۰/۰۲۵			استفاده از نرم‌افزارهای جدید تلفن همراه

۰/۹۲۷	۰/۰۷۴	۰/۲۳۴	۰/۰۶۱		مقدار مطالعه
۰/۰۰۰	-۰/۴۸۱	۰/۰۰۰	-۰/۳۹۶		میزان دینداری
۰/۰۳	۰/۱۱۰	۰/۰۹۷	۰/۰۸۳		نگرش نسبت به نقش‌های جنسیتی
۰/۰۸۹	-۰/۰۹۷	۰/۰۵۸	-۰/۰۹۵		نگرش نسبت به ازدواج
۲۹/۳۵		۲۷/۹۷		۴/۵۰	F
۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۳۵	Sig
۰/۲۷۸		۰/۲۶۷		۰/۰۱۳	R2
۰/۵۲۷		۰/۵۱۶		۰/۱۱۵	R

در مدل اول، با وارد کردن متغیرهای سن، جنس، بعد خانوار، وضعیت تأهل، درآمد، قومیت و وضعیت اشتغال تأثیر متغیرهای جمعیتی و اقتصادی بررسی شده است، که بعد خانوار با ضریب بتای ۰/۱۴۳- و سطح معناداری ۰/۰۱۱، شاغل بخش غیر دولتی با بتای ۰/۱۸۸ و دانشجو بودن نیز با بتای ۰/۱۴۸ تأثیر معناداری بر متغیر وابسته داشته‌اند.

در مدل دوم، بررسی متغیرهای اجتماعی- فرهنگی از قبیل تحصیلات، طبقه اجتماعی، استفاده از اینترنت، عضویت در شبکه‌های اجتماعی، استفاده از نرم‌افزارهای تلفن همراه، مقدار مطالعه، میزان دینداری، نگرش نسبت به نقش‌های جنسیتی و نگرش به ازدواج نشان داد که متغیر طبقه اجتماعی متوسط رو به بالا با ضریب بتای ۰/۱۲۱، میزان دینداری با ضریب بتای ۰/۳۹۶- متغیرهای تأثیرگذار این مجموعه هستند.

مدل سوم با ورود هم‌زمان تمامی متغیرها اجرا شده است. در این مدل متغیرهای تحصیلات دیپلم و پایین‌تر با بتای ۰/۱۱۷-، طبقه اقتصادی متوسط پایین با بتای ۰/۱۲۹-، نگرش مذهبی با بتای ۰/۴۸۱- و نگرش نسبت به نقش‌های جنسیتی با بتای ۰/۱۱۰ معنادار بوده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

در بستر تغییرات ساختاری، نهادی و ارزشی سریع در دوران معاصر، نگرش‌ها و ایده‌آل‌های مرتبط با ازدواج و همسرگزینی، انتظارات زن و شوهر از همدیگر و مناسبات بین

آن‌ها بطور محسوسی تغییر یافته است. مسأله‌ی اصلی این مقاله، تمرکز بر این نکته بود که ایران نیز همچون سایر کشورهای درحال توسعه در مرحله گذار از سنت به مدرنیته است و با تغییرات اجتماعی وسیعی در همه‌ی زمینه‌ها از جمله ازدواج و همسرگزینی روبه‌روست. این مطالعه به بررسی ایده‌آل‌های ازدواج در بین جوانان شهر شیراز و عوامل موثر بر آن‌ها پرداخته است.

نتایج تحلیل دومتغیره نشان داد که قومیت، بعد خانوار، میزان مطالعه، تحصیلات، طبقه‌ی اجتماعی، وضعیت اشتغال، وضعیت تأهل، میزان استفاده از اینترنت، عضویت در شبکه‌های اجتماعی، نگرش مذهبی، نگرش جنسیتی و نگرش به ازدواج با ایده‌آل ازدواج رابطه معناداری دارند. افرادی که از قومیت فارس، دارای بعد خانوار کوچکتر، مجرد، شاغل دولتی یا دانشجوی بوده‌اند، خود را در طبقه اجتماعی بالاتری می‌پنداشتند، به نسبت از میزان تحصیلات بیشتری برخوردار بوده، میزان ساعات مطالعه بیشتر، استفاده بیشتری از فضای مجازی، پایبندی مذهبی کمتر و در نهایت نگرش مثبتی به برابری جنسیتی داشته‌اند، میزان تمایل بیشتری به ایده‌آل‌های مدرن ازدواج داشته‌اند. در واقع این افراد به ازدواج در سنین بالاتر، تشکیل خانواده هسته‌ای، برابری زن و مرد، داشتن روابط قبل از ازدواج، ازدواج رمانتیک به جای ازدواج ترتیب داده شده و خروج از زندگی بدون عشق و تفاهم (طلاق) نظر مثبت‌تری داشته‌اند.

بر اساس نتایج تحلیل چندمتغیره، متغیرهای تحصیلات، طبقه اجتماعی، دینداری و نگرش نسبت به نقش‌های جنسیتی تأثیر معناداری بر ایده‌آل‌های ازدواج دارند و در مجموع توانسته‌اند ۲۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند.

نکته‌ای که در نتایج این تحقیق حائز اهمیت است رابطه‌ای است که بین مذهب و مدرنیزاسیون وجود دارد. تحقیقاتی از جمله، میرزایی و همکاران (۱۳۹۳)، موسوی و علمدار (۱۳۸۸) نیز بر این امر صحنه گذارده‌اند و نشان داده‌اند افرادی که دارای علقه‌های مذهبی کمتری هستند، به ارزش‌های مدرنیته و فرایند مدرنیزاسیون تمایل بیشتری نشان می‌دهند، این در حالی است که نظرات در باب رابطه دینداری و مدرنیته دارای پیچیدگی زیادی است و اندیشمندان تنها به رابطه جدالی این دو معتقد نیستند و برخی معتقدند بین این دو می‌توان سازگاری برقرار کرد (ایزدی، ۱۳۸۹).

نگرش به برابری جنسیتی، طبقه اجتماعی و تحصیلات از دیگر متغیرهایی می‌باشند که

دارای تأثیری مثبت و مستقیم بر ایده‌آل‌های ازدواج بوده‌اند، در واقع نتایج این تحقیق مهر تأییدی است بر قضایای مفهومی مستخرج از نظریه مدرنیزاسیون که بر طبق آن تحولات ساختاری، اجتماعی و اقتصادی در جامعه به سمت کاهش اقتدار سنتی و مذهبی و اشاعه و گسترش عقلانیت و فردگرایی پیش رفته و سرانجام به سمت مدل جهان‌شمول خانواده مدرن غربی با ویژگی‌های نظیر هسته‌ای بودن، فردمحوری، آزادی در انتخاب همسر، ازدواج در سنین بالا، باروری پایین و برابری جنسیتی پیش خواهد رفت. مطالعات صورت گرفته در ایران (عباسی شوازی و همکاران، ۲۰۰۹؛ عباسی شوازی و عسکری ندوشن، ۱۳۸۴؛ محمودیان، ۱۳۸۳؛ محمدپور و همکاران، ۱۳۸۸) نیز نشان می‌دهد که به خاطر عوامل مهمی چون توسعه آموزش همگانی به‌ویژه برای زنان و سایر مولفه‌های نوگرایی، الگوها و ایده‌آل‌های ازدواج رو به تغییر نهاده است. همچنین مطالعات دیگر (عباسی شوازی و خانی، ۱۳۸۸؛ عباسی شوازی و صادقی، ۱۳۸۴؛ عباسی شوازی و همکاران، ۲۰۰۸) درکنار اذعان به اثرگذاری عوامل نوسازی بر الگوهای ازدواج، به عاملیت و نقش مولفه‌های فرهنگی مانند قومیت و مذهب بر روی ازدواج و چگونگی شکل‌گیری آن نیز دست یافته‌اند.

با توجه به یافته‌های این مقاله به برنامه‌ریزان و سیاستمداران توصیه می‌شود با درک صحیح از فرایند مدرنیته در ایران و غالب شدن ارزش‌های ناشی از آن هر چه بیشتر در پی اهمیت دادن به ویژگی‌های مثبت این فرایند بود. نیاز است با درک صحیح از ارتباط بین ایده‌آل‌های مدرن و نگرش‌های مذهبی، به چالش‌های ذهنی جوانان پاسخ داده شود. درک فرایند تغییر ساختار خانواده و الگوی ازدواج در ایران ما را مجاب می‌سازد، تا نگاهی واقع‌بینانه به نگرش‌ها و تمایلات جوانان داشته و بتوانیم با برنامه‌ریزی صحیح، چالش‌های خانواده معاصر را بازشناخته و آن را کاهش دهیم.

منابع

- احمدی، وکیل و اسحاق قیصریان (۱۳۹۳). بررسی وضعیت ازدواج و مضیقه‌ی آن در استان ایلام (دهه ۱۳۹۰). فصلنامه فرهنگ ایلام، شماره ۴۲، صص ۵۶-۶۸.
- احمدی، یعقوب و بیتا حامد (۱۳۹۰). سنجش وضعیت تفاوت نسل‌ها در ابژه‌های فرهنگی، اجتماعی (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۲،

شماره ۲، صص ۱۸۵-۲۰۸.

آزادارمکی، تقی، محمد حسین شریفی ساعی، مریم ایثاری و سحر طالبی (۱۳۹۰). سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران. *فصلنامه جامعه پژوهشی فرهنگی*، سال دوم، شماره دوم، صص ۱-۳۴.

آزادارمکی، تقی و امیرملکی (۱۳۸۶). تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان. *مجله نامه علوم اجتماعی*، دوره ۱، شماره ۳۰، صص ۹۷-۱۲۱.

جنادله، علی، و مریم رهنما (۱۳۹۳). دگرگونی در الگوی متعارف خانواده ایرانی (تحلیل داده‌های ثانویه ملی) *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال دهم، شماره ۳۹، صص ۲۷۷-۲۹۶.

رفاهی، ژاله، باقر ثنائی ذاکر، عبدالله شفیع‌آبادی و حسن پاشاشریفی (۱۳۸۹). بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های همسرگزینی در زنان و مردان شیرازی در دو موقعیت هنگام ازدواج و اکنون. *فصلنامه پژوهش‌های مشاوره*، جلد ۹، شماره ۳۳، صص ۷-۳۲.

زارع، بیژن و ابوالفضل اصل روستا (۱۳۸۹). بررسی ارزش‌های اجتماعی دو نسل والدین و فرزندان درباره معیارهای انتخاب همسر در شهر هشتگرد. *مجله مسائل اجتماعی ایران*، دوره ۱، شماره ۱، صص ۶۷-۱۰۱.

ساروخانی، باقر (۱۳۸۶). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، جلد اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

صادقی، رسول، علی محمد قدسی و جواد افشارکهن (۱۳۸۶). واکاوی مسئله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه‌حل. *مجله پژوهش زنان*، دوره ۵، شماره ۱، صص ۸۳-۱۱۸.

طالبان، محمدرضا، محمد مبشری و مصطفی مهرآیین (۱۳۸۹). بررسی روند دگرگونی ارزشی در ایران (۱۳۵۳-۱۳۸۸). *مجله جامعه‌شناسی تاریخی*، دوره ۲، شماره ۳، صص ۲۳-۶۳.

عباسی شوازی، محمدجلال و رسول صادقی (۱۳۸۴). قومیت و الگوهای ازدواج در ایران. *مجله پژوهش زنان*، دوره ۳، شماره ۱، صص ۲۵-۴۷.

عباسی شوازی، محمدجلال و عباس عسکری ندوشن (۱۳۸۴). تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران. *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۵، صص ۲۵-۷۶.

عباسی شوازی؛ محمدجلال و عباس عسکری ندوشن (۱۳۸۷). آرمان‌گرایی در توسعه و نگرش‌های مرتبط با خانواده در ایران (مطالعه‌ای موردی در شهر یزد). *مجله نامه علوم اجتماعی*، دوره ۱۶، شماره ۳۴، صص ۴۹-۷۲.

تبیین‌کننده‌های اجتماعی و فرهنگی ایده‌آل‌های ازدواج جوانان ... ۵۹

عباسی شوازی، محمدجلال و سعید خانی (۱۳۸۸). الگوهای ازدواج، قومیت و مذهب: بررسی موردی زنان ازدواج کرده در شهرستان قروه. *مجله نامه انجمن جمعیت شناسی ایران*، سال ۴، شماره ۷، صص ۳۵-۶۶.

عسکری ندوشن؛ عباس، محمد جلال عباسی شوازی و رسول صادقی (۱۳۸۸). مادران، دختران و ازدواج (تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد). *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، دوره ۱۱، شماره ۴۴، صص ۷-۳۶.

عظیمی هاشمی، مژگان، فائزه اعظم‌کاری، معصومه بیگناه و فاطمه رضامنش (۱۳۹۴). ارزش‌ها، نگرش‌ها و الگوهای کنش جوانان در خصوص همسرگزینی و روابط پیش از ازدواج، *مجله راهبرد فرهنگ*، شماره ۲۹، صص ۱۷۹-۲۱۲.

قلی‌زاده، آذر (۱۳۷۶). *مبانی جامعه‌شناسی*. کاشان: انتشارات محتشم.

کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۸). سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تأکید بر ازدواج‌های دانشجویی، *فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، سال ۱۳، شماره ۲، صص ۷۵-۹۵.

کلدی، علیرضا و مریم غفوریان قالیباف (۱۳۸۷). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر معیارهای همسرگزینی. *مجله جامعه‌شناسی معاصر*، سال اول، شماره اول، صص ۱۵۵-۱۷۲.

محمد پور، احمد (۱۳۸۶). بازسازی معنایی پیامدهای نوسازی در منطقه اورامان کردستان ایران: ارائه یک نظریه زمینه‌ای، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز.

محمد پور، احمد (۱۳۸۸). سنت، نوسازی و خانواده (مطالعه‌ی تدوام و تغییرات خانواده در اجتماع‌های ایلی با استفاده از رهیافت روش تحقیق ترکیبی). *فصلنامه پژوهش زنان*، شماره ۴، صص ۹۳-۷۱.

محمودیان، حسین (۱۳۸۳). سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان. *فصلنامه نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۴، صص ۲۷-۵۳.

موحد، مجید، و محمد تقی عباسی شوازی (۱۳۸۵). بررسی رابطه جامعه‌پذیری و نگرش دختران به ارزش‌های سنتی و مدرن در زمینه روابط بین شخصی دو جنس پیش از ازدواج. *فصلنامه مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان*، دوره ۴، شماره ۱، صص ۶۷-۹۹.

موسوی، مریم السادات و فاطمه سادات علمدار (۱۳۸۸). بررسی رابطه نوگرایی و دینداری (مطالعه در بین دختران جوان منتخب از مناطق او ۶ و ۱۹ شهر تهران)، *فصلنامه زن و*

۶۰ دوفصلنامه مطالعات جمعیتی، دوره ۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

مطالعات خانواده، سال اول، شماره چهارم، صص ۱۵۹-۱۸۸.

میرزایی، حسین، سارا شریعتی و نافع باباصفیری (۱۳۹۳). بررسی رابطه نوسازی و تغییر نگرش ها و رفتارهای دینی جوانان شهر و روستاهای سنندج، مطالعات و تحقیقات

اجتماعی در ایران، دوره سوم، شماره ۴، صص ۶۰۳-۶۳۷.

میشل، اندره (۱۳۵۴). جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج. ترجمه فرنگیس اردلان. تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.

نعیمی محمدرضا (۱۳۹۰). تاثیر تعامل خانواده و ماهواره در بروز پدیده طلاق (مطالعه موردی

شهرستان گرگان). فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، شماره ۱، صص ۱۹۱-۲۱۱.

Abbasi-Shavazi, M. J., Philip Morgan, S., Hossein-Chavoshi, M., & McDonald, P. (2009). Family change and continuity in Iran: birth control use before first pregnancy. *Journal of Marriage and Family*, 71(5), 1309-1324.

Abbasi-Shavazi, M. J., McDonald, P., & Hosseini-Chavoshi, M. (2008). Modernization or cultural maintenance: the practice of consanguineous marriage in Iran. *Journal of biosocial science*, 40(06), 911-933.
evolutionary and social approach. *Journal of scientific psychology*, 11, 35-41.

Good, W. (1963). *World Revolution and Family Patterns*, London: Glencoe.

Gomes, C. (2006). *Social development and family changes*. No. 306.85 S6.

Jebraeili, H., ZadehMohammadi, A., & Heidari, M. (2013). Gender Differences in Mate Selection Criteria, *Journal of Family Reserch*, Vol.9, No 2, PP: 155-171.

Lesthaeghe, R, & F. Eelens. (1989). The components of sub-Saharan reproductive regimes and their social and cultural determinants: empirical evidence. Lesthaeghe, Ron J. (ed.). *Reproduction and Social Organization in Sub-Saharan Africa*. Berkeley, California: University of California Press. PP: 60-121.

Malhotra, A. (1991). Gender and changing generational relations: Spouse choice in Indonesia. *Demography*, 28(4), 549-570.

Malhotra, A. (1997) Gender and the timing of marriage: Rural-urban differences in Java. *Journal of Marriage and the Family*. PP: 434-450.

Onu, F. O., & Armstrong, M. P. (2013). The Ideal Man: An Investigation into Qualities That Influences Mate Selection among Female Undergraduate Students. *International Journal of Business, Humanities and Technology*. Vol. 3 No. 1: 80, 84.

- Palmore, J. A. (1983). The country effect: a six nation overview of the determinants of nuptiality and cumulative fertility.
- Schultz, T. W. (1973). The value of children: an economic perspective. *Journal of Political Economy*, 81(2), S2-S13.
- Shoemaker, E. G. (2007). Human mate selection theory: An integrated evolutionary and social approach. *Journal of scientific psychology*, 11, 35-41.
- Thapa, S. (1989). The ethnic factor in the timing of family formation in Nepal. *Asia-Pacific Population Journal*, 4(1), 3-34.
- Thornton, Arland. "The influence of first generation fertility and economic status on second generation fertility." *Population and Environment* 3.1 (1980): 51-72.
- Tuladhar, J. (1985). Factors affecting the age at marriage in Nepal. *Contributions to Nepalese Studies*, 12(2), 55-62.
- Thornton, A., & Fricke, T. E. (1987). *Social change and the family: Comparative perspectives from the West, China, and South Asia*. In *Sociological Forum* (Vol. 2, No. 4, pp. 746-779). Kluwer Academic Publishers.
- Witt, D. D., Murray, C. I., & Kim, H. S. (2008). Parental influence on mate selection and romantic ideals in the United States and Korea: *A cross cultural comparison*.
- Xenos, P., & Gultiano, S. A. (1992). Trends in female and male age at marriage and celibacy in Asia.